

پرتوی از مکتب زهرا

غلامعلی عباسی فردویی

عباسی فردویی، غلامعلی، ۱۳۳۴ -

پرتوی از مکتب زهرا(س) / غلامعلی عباسی فردویی - قم: زائر، ۱۳۸۵.

۲۳۸ ص.

شابک ۹۶۴-۸۵۶۷-۹۱-۳

کتابنامه ص ۲۳۸-۴۲۹؛ همچنین بصورت زیر نویس.

۱. فاطمه زهرا (س)، ۱۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. - فضائل. الف. عنوان.

BP ۲۷/۲ ع ۲۵۴

نام کتاب پرتوی از مکتب زهرا(س)

نویسنده غلامعلی عباسی فردویی

ناشر زائر - آستانه مقدسه قم

چاپخانه زائر - آستانه مقدسه قم

نوبت و سال چاپ اول - تابستان ۱۳۸۶

تیراژ ۳۰۰۰ نسخه

قیمت ۱۵۰۰ تومان

شابک ۹۶۴-۸۵۶۷-۹۱-۳

فهرست مطالب

۹	 سخن نخست
۹	 فاطمه علیها السلام کیست ؟
۲۳	 پرتوی از معرفت و یگانه ستایی فاطمه علیها السلام
۲۳	 الف) نیایش
۲۵	 ب) تسبیح
۲۶	 ج) حمد
۳۲	 د) تسبیحات فاطمه علیها السلام
۳۴	 ه) شکوفه های رضایت
۳۶	 و) فاطمه و تعقیبات نماز
۳۹	 ز) دعا های ایام هفته
۴۲	 دعا های حضرت بعد از نماز
۴۷	 نماز مخصوص آن حضرت
۴۷	 نماز اول
۴۷	 نماز دوم
۴۸	 در محراب قدس
۵۵	 فاطمه علیها السلام و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله
۵۸	 فاطمه در میدان های جنگ
۷۷	 فاطمه علیها السلام و مادر
۷۹	 انیس دل

۸۰	ولادت فاطمه علیها السلام
۸۱	فراق مادر
۸۵	فاطمه و علی علیهما السلام
۸۵	الف) فاطمه و رهبری
۸۷	فاطمه و مکتب غدیر
۹۰	ب) فاطمه و همسر
۱۰۲	۷ فاطمه و عترت علیهم السلام
۱۰۷	فاطمه علیها السلام و قرآن
۱۰۷	«فاطمه» از نگاه قرآن
۱۱۳	«قرآن» از نگاه فاطمه علیها السلام
۱۱۵	بازتاب وحی
۱۳۴	انس با قرآن
۱۳۷	فاطمه علیها السلام و معاد
۱۳۷	منزلت فاطمه علیها السلام در قیامت
۱۴۴	معاد در نگاه فاطمه علیها السلام
۱۴۹	«معاد» در تعقیبات فاطمه علیها السلام
۱۵۹	مکتب سیاسی فاطمه علیها السلام
۱۵۹	مکتب سیاسی فاطمه علیها السلام
۱۶۳	اصول کلی سیاست در مکتب فاطمه
۱۶۴	فریادی به بلندای تاریخ
۱۷۵	زنگ هشدار!
۱۸۰	نهضت اشک
۱۸۲	مبارزه منفی

۱۸۴		اوج مبارزه منفی
۱۹۱		فاطمه علیها السلام و مکارم اخلاق
۱۹۷		مقام مادر
۱۹۷		خوشرویی
۱۹۸		بهترین مردم
۱۹۸		بدترین مردم
۱۹۸		آزاد کردن بنده مؤمن
۱۹۹		نکوهش ستمگران
۱۹۹		حرمت فرزندان
۲۰۰		پاداش بیماری
۲۰۰		صدف عفت
۲۰۱		جود و بخل
۲۰۱		پاکیزگی
۲۰۲		اخلاص
۲۰۲		جزای بی اعتنایی به نماز
۲۰۴		وظیفه روزه دار
۲۰۴		حرمت شراب
۲۰۵		دعای ورود و خروج از مسجد
۲۰۶		آداب غذا خوردن
۲۰۷		آداب سفر و حضر
۲۰۸		فضیلت انگشتر عقیق
۲۰۸		زمان دعا
۲۰۹		آداب خوابیدن

۲۱۰	دعا به هنگام رفتن به بستر
۲۱۱	پاداش آموزش دانش (فضیلت آموزگار)
۲۱۳	بخشیدن پیراهن
۲۱۶	ایمان فاطمه علیها السلام
۲۱۶	زهد و پارسایی فاطمه علیها السلام
۲۲۲	احسان فاطمه علیها السلام
۲۲۳	ایثار فاطمه علیها السلام
۲۲۶	نصایح فاطمه علیها السلام
۲۲۷	محبوب فاطمه
۲۲۸	فضیلت شب قدر
۲۲۹	کتابنامه

سخن نخست

فاطمة و ما ادریک ...؟

فاطمه علیها السلام کیست؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لو کان الحُسن شخصاً، لکان فاطمة، بل هی اعظم. انّ فاطمة ابنتی خیر اهل الأرض عنصراً و شرفاً و کراماً»^(۱)؛ اگر حُسن (و جمال) الهی در سیمای شخصی مجسم می‌گشت، هر آینه در فاطمه علیها السلام بود، بلکه فاطمه علیها السلام از آن بزرگ‌تر و افضل است. همانا فاطمه دخترم، بهترین اهل زمین از نظر سرشت، شرف و کرامت است. او مدل و اسوه آسمانی است، و از زندگانی آسمانی‌اش فروغ هدایت به منهج رهنویان حقیقت جاری است؛ او عنصراً آفرینش و لطیفه خلقت است. محقق اصفهانی رحمته الله بجه نیکو سروده است:

لطيفة جلّت عن الشهود

تمثلت رقيقة الوجود

نتیجة الأدوار و الأكوار

تطورت فی افضل الأطوار.

تصوّرت حقيقة الكمال بصورة بسديعة الجمال

فانها الحوراء فى النزول و فى الصعود محور العقول^(۱)

در پرتو خلقتش، لطیفه و راز آفرینش آشکار گشت. در بهترین آفاق تجلی کرد و رشد نمود. او نتیجه زمان‌ها، و سرشت‌ها و طینت‌هاست. حقیقت کمال در وجود او ظاهر شد. او، جمال بدیع آفرینش بر این سپهر بود. در تابش او از آسمان به زمین، سیمای «حورا» می‌درخشد و در تجلی آسمانی‌اش محور عقول شکل می‌گیرد.

او «ليلة القدر» است^(۲)، که از سپهر قداست و عظمتش یازده «قرآن ناطق» نازل گردید؛ و چون ليلة القدر مقام و منزلتش، جز بر پدر، همسر و فرزندان معصومش بر دیگران معلوم نیست. به راستی شناخت و معرفت مقام والای آن صدیقه، درک و تشرف به مقام رفیع ليلة القدر است. او شاخسار درخت طوباست که در بهشت بی مانند است؛ درختی که اصل آن، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و فاطمه است. علی، موجب رشد و بالندگی آن، حسن و حسین، ثمره آن و شیعیان، برگ‌های آن درخت‌اند.^(۳)

ابویعقوب بصری پیرامون این حدیث چنین سروده است:

يا حبيذا. دوحة فى الخلد نابتة ما فى الجنان لها شبه من الشجر
المصطفى اصلها و الفرع فاطمة ثم اللقاح على سيد البشر

۱. «ارجوزه آية الله شيخ محمد. حسين اصفهانی».

۲. «تأويل الآيات الظاهرة فى فضائل العترة الطاهرة» سيد شرف الدين على حسینی

استر آبادی غروی، ص ۷۹۱.

۳. «مستدرک الوسائل» حاجی نوری، ج ۳، ص ۱۶۰.

و الهاشمیان سبطاه لها ثمر و التَّسْبِيعَةُ الْوَرَقَ الْمَلْتَفَ بِالْثَمَرِ
 هذا مقال رسول الله جاء به اهل الزوايات في العالي من الخبر^(۱)

فاطمه، نور خدا و آفریده از نور اوست. امام صادق علیه السلام می فرماید:
 «جز خدا هیچ نبود، پس خداوند «پنج نور» را از جلال و عظمت خود
 آفرید و برای هر یک از آن انوار، اسمی از اسم های خود را قرار داد؛
 چرا که خدا «حمید» است و این نام در محمد صلی الله علیه و آله ظهور یافت و خدا
 «اعلی» است و این نام در علی علیه السلام تجلی کرد و برای خدا «اسماء حسنی»
 است که در نام های حسن و حسین علیهما السلام آشکار گردید و از اسم «فاطر»
 خداوند، نام فاطمه علیها السلام بدرخشید.

وقتی که آن انوار را آفرید، آنان را در میثاق قرار داد، سپس در طرف
 راست عرش جا گرفتند.

و خدا، فرشتگان را نیز از نور آفرید. پس، وقتی که فرشتگان به این
 انوار نگریستند، شأن این انوار بر آنان بزرگ جلوه نمود و تسبیح را از
 آنها فرا گرفتند.... و آن هنگام که خداوند آدم علیه السلام را آفرید، آن حضرت
 در یمین عرش این انوار را فروزان یافت. لذا به ساحت قدس کبریایی
 عرض کرد: ای خدای من! آنان کیستند؟ خدای متعال فرمود: «ای آدم!
 آنان برگزیدگان من هستند و آنان را از نور عظمت خود آفریده ام و از
 نام های خود، نامی برای آنها انتخاب کرده ام.» عرض کرد: ای
 پروردگارم! به حقی که تو بر آنان داری، نام هایشان را به من بیاموز. پس،
 خدای متعال فرمود: «ای آدم! این اسم ها نزد تو امانت باشد که غیر تو

نباید به آن آگاه گردد. آدم گفت: قبول کردم. خداوند پس از گرفتن این پیمان، اسم‌ها را به آدم تعلیم داد و آنگاه به فرشتگان عرضه کرد؛ هیچ کدام به آن اسمی آگاه و دانا نبودند. از این رو، در پاسخ خدای متعال که فرمود: «مرا از نام‌های آنان خبر دهید اگر راست می‌گویید!»، عرض کردند: منزهی تو، برای ما علمی نیست جز آنچه تو به ما آموخته‌ای، همانا تو، عالم و دارای حکمتی..

آنگاه خداوند فرمود: «ای آدم! فرشتگان را به اسم‌های آن انوار خبر ده.» پس وقتی که آدم خبر داد آنان را به آن نام‌های فروزنده، فرشتگان دانستند که این «اسامی» نزد آدم به «امانت» بوده و آدم به سبب آگاهی بر آن نام‌های نورانی بر فرشتگان فضیلت و برتری یافته است. ^(۱)

شیخ محمد کاظم ازری در وصف این انوار، سروده است:

سادة لا ترید الأ رضی الله . کما لا یرید الأرضاها .

خصفها من کماله بالمعانی و بأعلا اسماها سماها .

لم یکنوا للعرش الأ کنوزاً خافیات سبحان من ابداهها .

کم لهم السن عن الله بنی هی اقدام حکمة قد براها... ^(۲)

زهرا علیها السلام در این «منظومه نور» از یک درخشندگی خاصی برخوردار است؛ زیرا او، محور اصلی «پنج تن آل عبا» است و مجورنه تن دیگر از ائمه هدی علیهم السلام.

آیه الله اصفهانی در این رابطه، سروده‌اند:

۱. «تفسیر فرات بن ابراهیم» ص ۵۶ و ۵۷.

۲. «صدیقه شهیده» ص ۹ و ۱۰.

لأنها قطب رحنى الوجود فى قوسى النزول و الصعود
 مهجة قلب عالم الامكان و بهجة الفردوس فى الجنان
 و مركز الخمسة من اهل العباد و محور التسع علواً و اباً
 و فى محياها بعضى الأولياء عتيان من ماء الحياة و الحياء
 بل وجهها الكريم وجه البىارى و قبلة العشارف بنالاسرار
 روح النبى فى عظيم المنزلة و فى الكفاء كفو من لا كفوله
 زهرا عليها السلام در قوس نزول و صعود، محور آسياب وجود است؛ او، روح
 و قلب عالم امكان است؛ او، شکوه فردوس و بهشت است.
 او، در زندگى اش بزرگ اولياست؛ دو چشمه از آب حیات و حياست؛
 سيمای کریم او، فروغ کرامت خداوند باری تعالی است، و او، قبله عارف
 به اسرار است. در منزلت، روح و جان پیامبر صلی الله علیه و آله است. و در برابری و
 هم شأنی، هم شأن کسی است که کفو و هم نایی ندارد. (۱)
 سروده‌ای دیگر، «محبوب خدا» را چنین توصیف می‌کند:
 جوهرة الندى من الكنز الخفى بدت فابدت عاليات الاحرف
 و قد تجلّى من سماء العظمة من عالم الأسماء اسمى كلمه
 بل هى ام الکلمات المحکمة فى جنب ذاتها فكانت مبهمه
 فى الافق المجد هى الزهراء للشمس من زهرتها الضياء
 بل هى نور عالم الأنوار و مطلع الشمس و الأقمار
 يا قبلة الارواح و العقول و كعبة الشهود و الوصول (۲)
 فاطمه، گوهر تابناک قدس و پاکی از گنجینه پنهان آفرینش است که با

فروغ میلادش، واژه بلند «فضیلت» آشکار شد. او از افق آسمان عظمت و از مشرق پرفروغ ترین «اسماء» تجلی کرد.

او، مادر کلمات محکم خداوند است و «خداگونه» ذاتش در غیب، و نامعلوم است.

در افق و کرانه عظمت فروزان است، و خورشید، فروغ و درخشندگی از او دارد. او، منشأ نور عالم انوار است، و او، سر آغاز طلوع خورشیدها و ماه هاست. او، کهربای جانها و عقل هاست، و کعبه عرفان و وصل هاست.

باری، «زهرا علیها السلام»، کوثر خدا، جلوه جمال او و تفسیر جلال او است. زهرا علیها السلام ادامه رسول است و همتای علی. او، حصن محکم ولایت است و آموزگار مکتب شهادت؛ تلاوت بیداری است و بهار سرشار دل های آشنا. زهرا علیها السلام معرف نهایت کمال زن است و اوج عروج یک انسان. چشمه غدیر در باغ دبستان سبز او جاری شد، و غدیری ها در دامان عصمتش به رویش رسیدند.

او، دریایی است بی کرانه، و کوهی است به بلندای تاریخ. از این روست که هر چه به قلّه اش نزدیک تر شویم، چشم انداز بیش تری می بینیم. سخنرانی او در مسجد، چون منشوری است که ابعادش به عدد زاویه دیدها و حوادث روزهاست.

به هر روی، می خواهم به عشق نوشیدن قطره ای از جام ولایتش، و برگرفتن نمی از یم وجودش، جلوه ای از جلوات و شمه ای از ملکاتش را بنگارم.

آیا ممکن است؟

به راستی چگونه می‌توان سوزش شمع، خیزش موج، خروش طوفان،
غَرش رعد، صلابت کوه، ریزش باران، صبوری سرو، و ایستادگی نخل را
نوشت؟!

مگر می‌شود شخصیت والای فردی را که آسمان و خورشید و ماه،
وسعت و نور و زیبایی را، و اقا قیا عطر را، کبوتران پرواز را و چشمه‌ها
طهارت را، از او به عاریت گرفته‌اند، به تصویر و نگارش در آورد؟!
مگر ممکن است آن را که با خط خود، غزل آفتاب را بر پوست هر
ستاره می‌نوشت، توصیف کرد؟!

او که طنین فریادش، همپای ضربت خندق است. او که در جغرافیای
خانه‌گلی‌اش، تاریخ انسانیت تفسیر شد. او که در وسعت سینه سبز و پر
سوزش، چگونگی دفاع از امام زمان خویش تحلیل شد. کسی که آفاق
مکارمش بر ملکوتیان نیز ناپیدا است.

چگونه می‌شود آن را که خورشید در تابوت او غروب کرد و
فرشتگان به عشق دیدار او، به سجده افتادند و با اشک‌های شان راهش را
تا به خدا علامت گذاردند، تجلیل کرد؟!

چگونه می‌شود آن را که بر دستش، عصای موسایی و در نفسش روح
مسیحایی و بر لبش کلام محمدی صلی الله علیه و آله را دارد، شناخت؟!

به راستی او، کوثر قرآن و مشکاة و مصباح خداست. ^(۱)
آری، زبان از توصیف جمال و کمالش ناتوان است
«ففاطمة الزهراء قطب الأولياء والعرفاء و معراج الأنبياء والأوصياء»

۱. چشمه در بستره مسعود پور سید آقایی، مقدمه (با اندکی تغییر).

صدرها خزانه الأسرار و وجودها ملتقى الأنوار، فهي حلقة الوصل بين انوار النبوة و انوار الامامة»^(۱).

اوست که وقتی بر مقام خود در بهشت تجلی می‌کند، آدم و پیامبران بعد از وی، به زیارتش می‌شتابند^(۲) و قداستش را تجلیل می‌کنند.

فاطمه جان! چه می‌توان گفت در شأن و منزلت، که هیچ سخن و کلام را یازای آن نیست تا تجلی‌گاه و مشرق مکارم و خصالت گردد، جز آنکه بگوییم: «تو، فاطمه‌ای!»، شاید این کلمه، چون آینه‌ای باشد تا پرتوی از جمالت را در خود منعکس سازد.

تو که اصل رحمت، منشأ رأفت، سرچشمه محبت، محور عصمت، مرکز کمال و مشرق جمال خدایی! کدام قطره باران رحمت است که از ابر کوثر نباریده، و کدام پرتو نور است که از خورشید کرامت نتابیده، و کدام موج محبت است که از دریای وجودت طنین نیفکنده است؟!

زهرا جان! زنان بزرگ و نامور تاریخ، «آینه دار کمال» تواند. موج صفا و مهر و محبت همان چیزی است که جان تو از آن لبریز بود.

گرچه در ظاهر، ز «احمد» زاده‌ای در حقیقت، «ام‌اب» افتاده‌ای

تو، مادر پدری و مادر امامان؛ بانویی نمونه که فروزنده‌ترین خط آموزه‌های انسانی در مکتب او پدید آمد و گلوازه‌هایی که گلستانی آسمانی آفرید.

بدون تردید، فاطمه علیها السلام در رأس تمام «بانوان اسلام» است؛ بلکه او

۱. «فاطمه الزهراء ليلة القدر» السيد عادل العلوی، ص ۱۲.

۲. «سفينة البحار» شيخ عباس قمی، ج ۷، ص ۱۲۱.

«سرور زنان جهان» است. زیرا او، تنها بانویی است که پدرش معصوم، شوهرش معصوم و دو فرزندش معصوم بوده، و خود نیز «معصومه» است. مهد پرورش او، محیط عصمت و طهارت بوده است؛ دوران کودکی خویش را در خانهٔ اوّل شخص اسلام (پیامبر خدا ﷺ) که تحت تربیت مستقیم خدا بوده، سپری ساخت؛ دوران خانه داری و بچه داری را در خانهٔ دومین شخصیت ممتاز اسلام (علی بن ابیطالب علیه السلام) گذراند و در این دوران کوتاه، دو پسر معصوم را تربیت کرد و دو دختر نمونه و شجاع!

از دامان عصمت فاطمه علیها السلام، امامان معصومی که «ثقل» دیگر اسلام اند، متولّد شدند. در زمان حیات، چون بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد می شد، پیامبر به وی خوش آمد می گفت؛ آنگاه دست فاطمه را می بوسید و او را در جای خود می نشاند^(۱) و می فرمود: «فاطمه، مانند سایر زنان نمی باشد.»^(۲) او که محبوب ترین زنان نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود^(۳) و بوی بهشت را از او استشمام می کرد.^(۴) او که چون «روح و جان» در سینهٔ پیامبر، جاری بود. این سطور: فاطمه را بر وفق مبین «فضائل و مکارم» زیارت می کند، و پرتوی از مکتب آن بزرگوار را در فراوی دوستان و پویندگان منهجش می افشاند. فروغ فاطمه را در معرفت و خداشناسی، ذکر و نیایش، تسبیح و تقدیس، نظاره می کند و نیز فاطمه را از منظر پدر،

۱. همان، ص ۱۱۸.

۲. «مسند فاطمة الزهراء غفاری»، ص ۱۳۴.

۳. همان، ص ۱۰۶.

۴. همان، ص ۹۷.

و پدر را از نگاه فاطمه می‌بیند. مقام امامت را تدوین و از نگاه فاطمه، افق این مکان را می‌نگرد. علی علیه السلام را از منظر فاطمه، زیارت کرده و درس مهرورزی، عطوفت، فرمانبری را به همه همسران نیز می‌آموزد. و نیز فاطمه و فرزندان (عترت)، را به بحث می‌نشیند. پرتوی از مهر، عطوفت و نوع دوستی فاطمه به دیگران را می‌نگارد. قرآن از نگاه فاطمه و فاطمه از نگاه قرآن را به تفسیر در می‌آورد. معاد و فاطمه را تبیین می‌کند. به هر روی، فاطمه و پارسایی، زهد، سیاست، جهاد، آینده‌نگری، تحلیل جامعه و تبیین احکام و مکارم اخلاق و را، فراروی پویندگان «مکتب ثقلین» می‌نهد. امید است این اثر، «پرتوی از خصال آن خورشید عالم تاب» را بر جان ولایت‌مداران، جاری و بانمی‌ازیم جلالت آن صدیق علیه السلام ملکوت جان‌های عاشق را به عطر «مکتب فاطمه» معطر نماید. و ما نیز در سرای دگر، در پرتو شفاعت آن شفیع بزرگوار، جرعه نوش «کوثر» ولای «عترت» باشیم. ان شاء الله

بمنه و کرمه

غلامعلی عباسی فردویی
جمادی الاولی ۱۴۲۶ ش.